انتشارات هرمس (وابسته به مؤسسهٔ شهرکتاب)
تهران، خیابان ولی‌عصر، بالاتر از میدان ونک، شمارهٔ ۱۳۳۷ ـ تلفن: ۸۷۹۵۶۷۴
مجموعهٔ ادب فکر ـ زبان و ادبیات ۲۰

گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی

لطف‌الله یارمحمدی
استاد دانشگاه شیراز و عضو پیوسته فرهنگستان علوم
طرح جلد: کارگاه گرافیک سپهر
چاپ اول: ۱۳۸۳
تیراژ: ۳۱۵۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
همهٔ حقوق محفوظ است.

یارمحمدی، لطف‌الله، ۱۳۱۲ـ
گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی/ لطف‌الله یارمحمدی. ــ تهران: هرمس، ۱۳۸۳.
هشت + ۱۸۷ ص. ــ(مجموعهٔ ادب فکر ـ زبان و ادبیات؛ ۲۰)
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرستنویسی پیش از انتشار)
عنوان به انگلیسی: Lotfollah Yarmohammadi. Mainstream and Critical Discourse.
کتابنامه.
۱.گفتمان ــ مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۲. جامعه‌شناسی زبان. ۳. زبان‌شناسی ــ مقابله‌ای. الف. عنوان.
۷گ ۲ی/ P۳۰۲ ۴۰۱/۴۱
۱۳۸۳ ۸۲م ـ ۱۳۸۰۴

شابک ۶ ـ ۲۱۵ ـ ۳۶۳ ـ ۹۶۴ ISBN 964-363-215-6

فهرست

مقدمه ۱

مقاله اول: بررسی مقابله‌ای ارجاع صریح و ضمنی در متون انگلیسی و فارسی: گزارش پیشرفت تحقیق از نیمه راه

۱. مقدمه ۹
۲. فرضیه تحقیق ۱۴
۳. روش تحقیق ۱۶
۱ـ۳. داده‌های تحقیق ۱۶
۲ـ۳. ابزار و شیوهٔ کار ۱۷
۴. نتیجه بحث و پایان مقال ۲۵
یادآوری ۲۶
مراجع ۲۷

مقاله دوم: ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه انگلیسی فیتزجرالد

۱. مقدمه ۲۹
۲. معرفت زمینه‌ای و چارچوب‌های فکری ۳۰
۳. چارچوب فکری ـ صوری رباعیات ۳۳
۴. چارچوب فکری منظومه فیتزجرالد در مقایسه با رباعیات ۳۷
۵. تمهیدات پیوندی در منظومه و رباعیات ۳۹
۶. نتیجه‌گیری کلی و پایان سخن ۴۵
مراجع ۴۷

پیوست ۴۸

مقاله سوم: ویژگیهای گفتمانی نوشته علمی

۱. مقدمه ۵۱
۲. بافتار کلی مقاله علمی ۵۲
۱ـ۲. چارچوب فکری ۵۲
۲ـ۲. عملکردهای زبان و عوامل پیوند ۵۶
۳ـ۲. ارتباط آغازه ـ پایانه ۶۱
۳. واژگان و گفتمان ۶۳
۴. پایان مقال ۶۳

مراجع ۶۵

مقاله چهارم: مقابله منظورشناختی در زبانهای انگلیسی و فارسی با عنایت به نظم درونی وقایع در فرهنگهای مختلف

۱. مقدمه ۶۷
۲. چارچوب‌های مقابله‌ای مرسوم ۶۹
۱ـ۲. منظورشناسی ـ زبان‌شناختی ۷۲
۲ـ۲. منظورشناسی ـ جامعه‌شناختی ۷۴
۱ـ۲ـ۲. نظریه گفتارکنش ۷۵
۲ـ۲ـ۲. اصول همکاری و ادب ۷۶
۳ـ۲ـ۲. نیاز به حفظ حیثیت ۷۷
۳. نظم درونی وقایع و فرازبان معناشناختی طبیعی ۷۹
۴. نتیجه‌گیری ۸۳

مراجع ۸۴

مقاله پنجم: گفتمانی در باب «گفتمان و ترجمه»

۱. مقدمه ۸۷
۲. کلیاتی درباره مؤلف و محتوای کتاب ۸۸
۳. نگاهی به پاره‌ای از مندرجات کتاب ۹۰
۴. تکمله ۹۳

مقاله ششم: بهره‌گیری مترجم از تحلیل گفتمان

۱. مقدمه ۹۵
۲. گفتمان و تحلیل گفتمانی ۹۵

۳. ترجمه ۱۰۲
۴. تکمله و پایان مقال ۱۰۳

مراجع ۱۰۵

مقاله هفتم: رابطه زبان و فرهنگ: مصاحبه

مقاله هشتم: پیرامون پرورش زبان برای بیان مفاهیم و نقش فرهنگستان‌ها

۱. مناسبت زبان، فکر و رفتار جمعی ۱۱۷
۲. بیان مفاهیم ۱۲۲
۳. مسئله اصطلاح‌شناسی ۱۲۵

مراجع ۱۳۰

مقاله نهم: واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای در واژگان‌شناسی مقابله‌ای، تجزیه و تحلیل گفتمانی انتقادی و ترجمهٔ ادبی

۱. مقدمه ۱۳۳
۲. واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای ۱۳۴
۳. تبعات توصیف واژگان به گروههای هسته‌ای و غیرهسته‌ای ۱۳۶
۴. نتیجه‌گیری ۱۴۰

مراجع ۱۴۱

مقاله دهم: شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاههای فکری ـ اجتماعی

۱. مقدمه ۱۴۳
۲. روش کار ۱۴۴
۱ـ۲. ابزار تحلیل ۱۴۴
الف) گزینش لغات و تعبیرات خاص (نام‌دهی) ۱۴۴
ب) فرآیند اسم‌سازی ۱۴۵
ج) به کارگیری مجهول در برابر معلوم یا برعکس ۱۴۵
د) بهره‌گیری از الگوهای متفاوت جمله ۱۴۶
۲ـ۲. دو متن مورد بررسی ۱۴۸
۳ـ۲. شیوه تحلیل ۱۴۸
۳. تحلیل گفتمانی دو متن نمونه ۱۴۹
۱ـ۳. نمونه اول ۱۴۹
۲ـ۳. نمونه دوم ۱۵۵

۴. نتیجه‌گیری و تکمله ۱۶۰
مراجع ۱۶۳

مقاله یازدهم: تحلیل گفتمان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی ـ معنایی گفتمان‌مدار با عنایت به تصویرسازی کارگزاران اجتماعی

۱. مقدمه ۱۶۵
۲.مؤلفه‌های جامعه‌شناختی ـ معنایی ۱۶۹
۱. حذف عامل یا پذیرنده در مقابل نام بردن آن ۱۶۹
۲. انتخاب نقش الف یا ب ۱۷۰
۳. بیان به صورت جنس یا نوع ۱۷۰
۴. بیان به صورت مشخص یا نامشخص ۱۷۱
۵. کارکرد و نقش در مقابل هویت خاص ۱۷۲
۶. بیان به صورت شخصی یا غیرشخصی ۱۷۲
۳. نتیجه‌گیری ۱۷۳
مراجع ۱۷۵

مقاله دوازدهم: تناسب کاربرد روشهای کمی و کیفی در تحلیل گفتمانها

۱. مقدمه ۱۷۷
۲. تعریف، تفسیر و توجیه گفتمان و تطور آن ۱۷۸
۳. افاده معنا در بافت ۱۸۱
۴. تحلیل محتوا یا تحلیل گفتمان ۱۸۳
۵. نتیجه‌گیری ۱۸۵
مراجع ۱۸۷

این مجموعه را به فرزندم دکتر هیراد یارمحمدی به مناسبت کسب مقام اول امتحان جامع پزشکی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۸۰ تقدیم می‌کنم.

مقدمه

به نام آنکه جان را حکمت آموخت

گفتمان در طول زمان و توسط محققان در رشته‌های مختلف با معانی متفاوت ولی نزدیک به هم به کار برده شده است. در اینجا سه تعریف بسیار مرسوم آن را می‌آوریم.

۱. گفتمان قطعه‌ای از زبان بامعناست که اجزای آن به نحوی به هم مربوط‌اند و هدف خاصی دارد.

۲. گفتمان محصول ارتباط و تعامل مباشران گفتگو در بافتی اجتماعی ـ فرهنگی است.

۳. گفتمان عملِ گفته (utterance) یا کنش در مقابل محصولِ گفته یا متن (text) که بازنمای ساختِ صوری گفتمان است، می‌باشد.

در مورد تعریف اول اگر قطعه‌ای از زبان را بگیرید و جملات آن را جابه‌جا کنید و به هم بریزید می‌بینید متن دیگر فهمیده نمی‌شود. ممکن است بتوانید جملات جابه‌جا شده را در جای خود قرار دهید و قطعه را بازسازی کنید. چرا چنین است؟ باید سازوکاری وجود داشته باشد که این جملات را به نحو مطلوب به هم ارتباط دهد. در جستجوی این سازوکار گفتمان‌شناسان از عوامل پیوند و پیوستگی صحبت می‌کنند و راه و رسم آن را کشف و عرضه می‌دارند. یا اینکه اگر داستانی را در نظر بگیرید می‌بینید این داستان اجزای مشخصی دارد و این اجزا اغلب توالی خاصی هم دارند و به این اجزا و توالی خاص آنها غالباً استشعار داریم.

تعریف دوم می‌گوید که اهل زبان از مرد و زن، پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد،

پولدار و بی‌پول در موقعیتهای مختلف اجتماعی ـ فرهنگی با هم ارتباط دارنـد و این ارتباط هم بیشتر از طریق زبان صورت می‌گیرد. در هنگام ارتباط و گفتگو چه اتفاق می‌افتد؟ وقتی گوینده صحبت می‌کند تا چه حد می‌تواند صحبت خود را ادامه دهد و بعد مخاطب سخن آغاز کند؟ یا اینکه می‌دانیم وقتی کسی دستوری می‌دهد بسته به اینکه دستوردهنده کیست رابطه‌اش با مخاطب چیست انتظار اجابت و یا عدم اجابت می‌رود. اگر کسی عذرخواهی کند انتظار قبول عذر و یا عـدم آن از طرف مخاطب می‌رود. بافت اجـتماعی ـ فـرهنگی چـیست؟ مـی‌دانـیم کـه بـاز سخنگویان در موقعیتهای مختلف (یعنی در خلوت است یا جلوت، طرف گـفتگو آشناست یا غریبه، مخاطب در مقامی بالاتر است یا پایین‌تر و قس علی‌ذالک) با شیوه‌های مختلف سخن ساز می‌کند.

در تعریف سوم عنایت ویژه به زبان به عنوان کار و عملی که مداوم از انسـان سر می‌زند معطوف است و تأکیدی خاص به یکی از پایه‌های مهم مـنظورشناسی (pragmatics) دارد.

ما برای تشویق فرزندمان که نمره خوبی در امتحانی گرفته است ممکن است به پشت او بزنیم یا صورت او را ببوسیم. یا ممکن است زبانی بگوییم بارک‌اللّه. یـا ممکن است هم ببوسیم و هم بارک‌اللّه بگوییم. بارک‌اللّه در اینجا مساوی بوسیدن صورت است که عمل تشویق و تحسین و تبریک را انجام می‌دهد. ما مـی‌توانـیم بسیاری از کارهایی را که عملاً انجام می‌دهیم لفظاً نیز بیان کنیم. ما بـه صـورت عادت همواره گفتار (یا گفته) را از کردار (کنش یا عمل) جدا می‌دانیم. در فرهنگ و ادب ما نیز اشارات فراوان بر این امـر وجـود دارد. مـثلاً «دو صـد گـفته چـون نیم‌کردار نیست و یا به عمل کار برآید به سخندانی نیست.» ولی جی. ال. آسـتین می‌گوید برخلاف نظر عامه تمیز بین گفتار و عمل غالباً با مشکـل روبـه‌روست. آستین یکی از اولین فیلسوفانی است که اعلام کرد، کلمه خود فی‌نفسه عمل است. از همین جا نظریه گفتار کنش پا به عرصه وجود گذاشت. فیلسوفان گذشته به طور سنتی بین عمل و سخن تمایز قائل بودند و می‌گفتند سخن گفتن در بـاب عـملی متفاوت از انجام خود عمل است. ولی آستین با چالش این نظر مدعی شد که گفته مانند دیگر اعمال ما واقعه‌ای عملی است. گفتارها در آنِ واحد می‌توانند سه کار

انجام دهند که عبارت‌اند از: کنش **بیان** (locution)، کنش **انجام** (illocution) و کنش **تأثیر** (perlocution). مثلاً در گفتهٔ **ممکن است کتابتان را چند روز بـه مـن قـرض بدهید**، بیان آن کلماتی است که به صورت جمله‌ای دستوری تنظیم و ارائه شـده است. انجام آن کنش تقاضایی است که صورت گرفته است. در نـهایت تأثـیر آن برانگیختن و تشویق شنونده به اجابت تقاضاست، در صورتی‌که عمل تـقاضا بـا موفقیت به سرانجام برسد. درخواست، تهدید، تعهد، تشویق و غیره همگی کـنش محسوب می‌شوند. با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفتار کنش را بـه دو روی سکه تشبیه کرد که در یک طرف سکه گفتار (speech) و در روی دیگر کنش (act) است. به تعبیری دیگر شاید بتوان گفت معنای گفتار عبارت از عملی (یا نـقشی) است که با آن گفتار ملازمت دارد. ثانیاً گفتار و کنش را نمی‌توان از هم جدا کرد. ثالثاً چون هر عملی تحت شرایط اجتماعی خاصی صورت مـی‌گیرد پس تـفسیر گفتار نیز تابع شرایط خاص اجتماعی است که در چارچوب آن عرضه شده است.

توضیح اینکه ارزشی که بر کنش انجام مـترتب است و تـعلق مـی‌گیرد هـمان چیزی است که به آن نقش (function) می‌گوییم. در حقیقت نقش منظورشناختی در عمل مترادف گفتار کنش تلقی می‌شود.

هم اینها و باز هم بیش از اینها برای خود ساز و کار ویژه‌ای دارند و قاعده و راه رسم خـود را دارنـد. کشـف و تـوصیف ایـن قـواعـد و راه و رسـمها در حـوزه گفتمان‌شناسی رایج یا سنتی (mainstream discourse) می‌باشد. در مقالات آغازین این مجموعه هرگاه سخن از گفتمان به میان می‌آید بیشتر اشارت به هـمین نـوع گفتمان است که تا یکی دو دهه پیش عموم گفتمان‌شناسان بیشتر درگیر بررسی این نوع گفتمان بودند. هم‌اکنون نیز گرایش غالب در زمینه گفتمان‌شناسی است.

همان‌طور که ملاحظه شد در گفتمان‌شناسی سنتی ما بیشتر به توصیف و تفسیر کلام در بافتی مشخص که گفته در آن چارچوب واقع شده است که اصطلاحاً آن را بافت موقعیتی یا قرینه حالیه (context of situation) می‌نامیم عنایت داریم. با توجه به این بستر در حد ممکن معنا و مفهوم کلام را درمی‌یابیم. اما این بافت می‌تواند بسیار گسترده‌تر از بستری باشد که بیان و عمل در آن اتفاق افتاده است. فهم دقیق کلام ممکن است به تاریخ زندگی فردی و جمعی، آرزوها و امیال افراد، جهان‌بینی